

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال نهم شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۶ (صص ۹۷-۱۲۰)

## گفتمان پسااستعماری مشترک در ادبیات داستانی معاصر هند و ایران

(مطالعه مجموعه داستان مترجم دردها، رمان شوهر دلخواه و رمان سووشون)

۱- احمد ملایی      ۲- محمدعلی محمودی      ۳- محمدعلی زهرازاده

### چکیده

ایران و هند، جدای از اشتراکات مهم در ساختارهای تاریخی و فرهنگی، از حیث حضور استعمار، چه مستقیم و چه غیر مستقیم دارای نقاط مشترک هستند. حضور بریتانیا در هند و ورود متفکین در ایران نمونه ای از حضور استعمار است. در این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی، ابتدا گفتمان پسااستعماری از منظر نظریه پردازان این حوزه تبیین شده و سپس داستان های مترجم دردها از جومپا لاهیری، رمان شوهر دلخواه از ویکرام ست از ادبیات هند و رمان سووشون سیمین دانشور از ادبیات داستانی معاصر ایران، مورد مطالعه قرار گرفته است. نویسندگان ادبیات داستانی معاصر این دو کشور با مقوله ی استعمار و فضای پس از آن، برخوردها و بازنمایی هایی داشته اند که یک گفتمان مشترک را می توان در آن مشاهده کرد. بازنمایی دوگانگی فرهنگی یا «دورگه بودگی»، تاثیرات زبان، جلوه های قدرت طلبی استعمارگران، تاکید بر سنت ها و اصالت ها به منظور مقاومت فرهنگی، به تصویر کشیدن زندگی فرودستان و به حاشیه رانده شدگان، از خود بیگانگی فرهنگی و اختلافات و آشوب های داخلی از محورهای مشترک در این آثار هستند که از دیدگاه پسااستعماری قابل مطالعه است.

**کلید واژه ها:** ادبیات داستانی ایران و هند، پسااستعمار، مترجم دردها، شوهر دلخواه، سووشون

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان Email: [Mollayi1359@stu.usb.ac.ir](mailto:Mollayi1359@stu.usb.ac.ir)

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: [mahmoodi@lihu.usb.ac.ir](mailto:mahmoodi@lihu.usb.ac.ir)

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان Email: [mzahrazadeh@lihu.usb.ac.ir](mailto:mzahrazadeh@lihu.usb.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۷

## ۱- مقدمه

گفتمان از مفاهیم مهم و کلیدی در شکل دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. اگرچه این مفهوم در ادبیات فلسفی-اجتماعی قرون وسطی و بویژه در دوران مدرن، کاربرد فراوانی داشته، اما در چند دهه ی اخیر، نزد متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا و دیگر متفکران برجسته معاصر مغرب زمین، معنایی متفاوت به خود گرفته است. اریک ماتپوز در تعریف گفتمان می گوید: « مجموعه ی قاعده مندی از گزاره هاست که اجتماعی از انسانها آنچه را دانشش می پندارند، در قالب آن ها بیان می کنند. مجموعه ای از قواعد تاریخی ناشناس است که همیشه در زمان و مکان معرف یک دوران معین می شوند و کاربرد ارتباط کلامی در یک محدوده ی اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی یا زبانی معین، مشروط به آن هاست. این قواعد ناشناسند. یعنی قواعدی نیستند که گوینده ی خاصی آگاهانه از آنها خبر داشته باشد، بل تمام اعضای اجتماع مربوط، به یک اندازه در آن سهم اند» (ماتپوز، ۱۳۷۸: ۲۱۶-۲۱۵). می توان گفتمان را نمایان گر تبیین زبان در ورای جمله و کلمات و عبارات دانست و آن را در علایم و کنش های غیرکلامی و کلیه ارتباطات میان افراد، جست و جو کرد (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۶۵). اغلب نظریه پردازان پسااستعماری از جمله ادوارد سعید، به مفهوم گفتمان از منظر میشل فوکوی فرانسوی تاکید دارند. فوکو در کتاب دیرینه شناسی دانش، گفتمان را « نوعی اعمال نهادی که از قواعد به خصوصی پیروی می کند » تعریف می کند. (همان) اعمال مزبور به وسیله ی کارگزاران یک سیستم اجتماعی، علمی، حقوقی و یا فکری صورت می پذیرد و تمامی آن ها به نحوی مربوط به زبان و گفتار می باشند.

## ۱-۱- بیان مساله و سئوالات تحقیق

نقد و یا مطالعات پسااستعماری به عنوان بخشی از مطالعات فرهنگی و در ارتباط با موضوعاتی مانند: هویت فرهنگی، قومیت، نژاد و ملی گرایی مطرح می شود. در این شیوه ی تحلیل، ارتباط میان فعالیت ها و رفتارهای فرهنگی و نتایج تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استعمار در مطالعه ی آثار، به صورت ویژه مورد توجه قرار می گیرد. فرهنگ یک ملت و کشور استعمار زده در برابر فرهنگ استعماری واکنش نشان می دهد. این واکنش یا از نوع تغییر، دگرگونی و استحاله است و یا نوعی تقابل، مبارزه و یا مقاومت. اگر چه استعمارگران امروز از سرزمین های مستعمره به ظاهر عقب نشسته اند اما بنیادهای فرهنگی استعمار، در قالب تاثیرگذاری بر رفتارهای جمعی یا

گروهی و همچنین تغییر در سبک زندگی و نگاه به مسائل مهم دنیا، وجود دارد. مطالعه ی پسااستعماری در ادبیات داستانی به دنبال معرفی چالش هایی است که در این ارتباط فرهنگی دو طرفه اتفاق می افتد و معتقد است که آثار و متون ادبی به عنوان محصولات مهم فرهنگی نمی توانند از کنار این چالش ها به راحتی عبور کنند. بنابراین متون ادبی از جهت بازنمایی اثرات استعمارگری و یا مقاومت در برابر بنیادهای آن مورد تحلیل قرار می گیرند. « مهمترین هدف مطالعات پسااستعماری بررسی رابطه ی فرهنگ با قدرت امپراتوری، ثروت و در نهایت رابطه ی انسان با انسان و جامعه است» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۴). «خوانش دوباره ی روایت ها، سفرنامه ها و متن های خلاقانه ی ادبی، راه شناخت شیوه های ماندگاری حکومت های استبدادی و استعماری است» (همان، ۷) بنابراین برای ترسیم این گفتمان مشترک در ادبیات داستانی دو کشور، ضمن پرداختن به نظریات مهم گفتمان پسااستعماری که توسط نظریه پردازانی همچون ادوارد سعید، بهابها و اسپیواک مطرح شده است، مجموعه داستان «مترجم درد ها» از جومپا لاهیری داستان نویس هندی ساکن آمریکا که در سال ۲۰۰۰ میلادی موفق به کسب جایزه ی ادبی پولیتزر شد، رمان «شوهر دلخواه» از ویکرام ست در ادبیات داستانی معاصر هند و رمان مشهور «سووشون» از سیمین دانشور مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

با هدف آشنایی با بخشی از ادبیات داستانی معاصر ایران و هند و معرفی اشتراکات این آثار از منظر گفتمان پسااستعماری و همچنین یادآوری ریشه های مشترک دو فرهنگ، این پژوهش انجام شده است و در پی دستیابی پاسخ برای سئوالات زیر است.

- ۱- ادبیات داستانی معاصر ایران و هند به موضوع استعمار چه واکنشی نشان می دهد؟
- ۲- مهمترین محورهای گفتمان پسااستعماری کدام اند؟
- ۳- آیا واکنش پسااستعماری در آثار، منجر به ایجاد گفتمان مشترک می شود؟

## ۲-۱- پیشینه پژوهش

در مورد مطالعات پسااستعماری، پژوهش هایی اندک در فرهنگ و ادبیات ایران و هند انجام شده است. این پژوهش ها به صورت مجزا مقوله ی استعمار و پسااستعمار را در آثار ادبی ایران و یا هند بررسی نموده اند اما در خصوص تعیین اشتراکات گفتمانی در ادبیات داستانی معاصر ایران و هند کار مشخصی صورت نگرفته است. نمونه هایی از نقد های انجام شده عبارتند از: کتاب «

نظریه و نقد پسااستعماری» از آزاده شاهمیری که زیر نظر فرزاد سجودی به معرفی نظریه و نقد پسااستعماری، مفاهیم اصلی آن و معرفی نظریه پردازان این حوزه پرداخته است. کتاب های «نظریه های نقد ادبی معاصر» از لیس تاینسن و «نظریه ی ادبی» یوهانس ویلم برتنز، هرکدام در یک فصل جداگانه نقد پسااستعماری و نظریه پردازان آن را معرفی کرده اند. در حوزه ی مقالات، مقاله ی « ادبیات پسااستعماری در هندوستان و نقش آن در شکل گیری هویت نوین هندی» (۱۳۹۰) از الهه ی کولایی و زهرا پازوکی که در فصلنامه ی مطالعات شبه قاره ی دانشگاه سیستان و بلوچستان به چاپ رسیده ضمن تشریح گفتمان پسااستعماری، به تاریخچه ای از دوران استعمار در هند اشاره دارد و برخی از متون داستانی متأثر از جریان استعمار را معرفی می کند. «واکاوی جلوه های فرودست پسااستعماری در رمان جای خالی سلوچ» (۱۳۹۴) از سمیه ی حاجتی و احمد رضی که در فصلنامه ی تخصصی نقد ادبی چاپ شده به تحلیل رمان از منظر گفتمان پسااستعماری پرداخته است. اما همان گونه که ذکر شد، تاکنون مقاله و یا پژوهش مستقل و مشخصی در مورد اشتراکات گفتمانی در ادبیات داستانی دو کشور نوشته نشده است.

## ۲- مبانی نظری و نظریه پردازان گفتمان پسااستعمار

این نظریه همچون دیگر نظریات انتقادی، دارای مفاهیم و محورهای بنیادی است که از سوی نظریه پردازان بزرگ این حوزه مطرح شده است. نظریه پردازانی همچون: ادوارد سعید (Edward said)، هومی بهابها (Bhabha homi) و گایاتری چاکرواتی اسپیواک (Spivak chakravoty gayatri)، بخشی از این نظریه پردازان به شمار می آیند.

ادوارد سعید، منتقد آمریکایی فلسطینی تبار، در کتاب شرق شناسی خود به نقد تفکر غرب در خصوص مساله ی شرق و شرق شناسی می پردازد و نشان می دهد که چگونه متون نویسندگان غربی، شرق را از طریق تصاویر خیالی در رمان ها و توصیف های به ظاهر واقعی در سفرنامه ها و گزارش های مطبوعاتی، معرفی می کنند. به باور سعید، شرق شناسی یک تمایز ساخته شده ی فرهنگی است که بیش از آن که ماهوی باشد در قلمرو جغرافیای خیالی قرار دارد و به طور قطع، سیاسی است. سعید تبیین می کند که «تلاش غرب با رویکرد فوکویی، در صدد ایجاد یک گفتمان مبتنی بر دانش است که از طریق روابط قدرت، سعی دارد در راستای اهداف خود عمل کند. بنابراین گفتمان غرب درباره ی شرق، همیشه در خدمت سلطه و هژمونی بوده و یک تقسیم بندی

ایدئولوژیکی است نه جغرافیایی» (سعید، ۱۳۸۳: ۱۷). شرق شناسی به عنوان محوری مهم، چارچوب نظری چالش برانگیزی را به دست می دهد تا در باب تفسیر متونی که تحت حاکمیت استعمار نوشته شده، هم نشانه هایی از همدستی با فرهنگ غرب، تقلید و همسان شدن و هم نشانه هایی از مواضع ضد سلطه و مقاومت فرهنگی را پیدا کرد.

اروپا محوری در ادامه ی مفهوم شرق شناسی قائل به برتری فرهنگی اروپا و غرب بر جهان است. اظهار نظر هگل در سال ۱۸۲۲ که می گوید: «آفریقا بخش غیر تاریخی جهان است» و یا نظر مارکس که می گوید: «هند تاریخ ندارد و یکی از مزایای استعمار بریتانیا این است که این شبه قاره را به روایت تاریخ غرب در می آورد»، اندیشه ی اروپا و غرب محوری را تقویت می کند. (به نقل از شاهمیری، ۱۳۸۹: ۷۱) در تبیین این گفتمان، واقعیت های اجتماعی و تاریخی بیشتر مد نظر هستند تا موقعیت های جغرافیایی. بنابراین منظور از اروپا محوری و غرب، جامعه ای توسعه یافته، صنعتی، شهری، سکولار، سرمایه دار و مدرن است. غرب با تقسیم جهان به دو قطب غربی و غیر غربی ابزار شناخت به دست می دهد و الگوسازی می کند. (هال، ۱۳۸۶: ۶-۷۳) بنابراین، با در نظر گرفتن دو محور شرق شناسی غربیان و اروپا محوری، گفتمان پسااستعماری با محورهای زیر در آثار ادبی، قابل شناخت و بررسی است:

- ۱- در متون فرهنگی از جمله رمان، تصاویری از سیطره ی فرهنگ غرب، نفوذ قدرت سیاسی و اقتصادی آنها در جامعه ی مستعمره نمایان می شود.
- ۲- در مطالعه ی پسااستعماری، امکان سخن گفتن افرادی در حاشیه که در نتیجه ی سرکوب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به حاشیه رانده شده اند، فراهم می شود. هویت ها و خرده فرهنگ ها، امکان سخن پیدا می کنند.
- ۳- مفهوم جنسیت به عنوان مجموعه ای از ویژگی ها و رفتارهایی که از طریق فرهنگ و اجتماع شکل گرفته و به شخص مذکر و مونث نسبت داده می شود، اگر چه موضوع بحث فمینیست ها نیز است اما در مطالعات پسااستعماری، چون تمرکز بر روی معرفی صدا ها و افرادی است که به هر طریقی به حاشیه رانده شده اند، مساله ی جنسیت و زنان مورد توجه قرار می گیرد.

۳-۱ « مهمترین فصل مشترک فمینیسم و پسااستعمارگرایی، تلقی زن و شرق به مثابه ی "دیگری" و حاشیه است. رابطه ی غالب/مغلوب در تقابل دوتایی غرب/شرق در نظریه ی پسااستعماری در تناظر با تقابل مرد/زن در فمینیسم قرار می گیرد» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۳۲)

۳-۲ گایاتری چاکرواتی اسپیواک، نظریه پرداز هندی در مطالعات پسااستعماری خود موضع گیری ویژه ای نسبت به مساله ی جنسیت دارد. وی با پرداختن به زنان ممالک مستعمره، بر این باور است که آنها همواره نادیده گرفته شده اند و صدایشان به جایی نرسیده است. اسپیواک در مقاله ای تحت عنوان «آیا فرو دست امکان صحبت دارد؟ Can the subaltern speak?» به مساله ی زنان در جامعه مستعمره می پردازد و سلطه نظام های غربی را حاصل تفکر مردسالاری بر پیکره و روح زنان می داند. گروه های اجتماعی زیر دست و متعلق به طبقه ی فروتر، سوژه ی هژمونی و سلطه ی طبقات حاکم هستند. این طبقات که زنان جلوه ی بارزی در میان آنان دارند، از سوی قدرت به حاشیه رانده می شوند (Ashcroft, 2007, 200).

۳-۳ به باور اسپیواک، فرودست نمی تواند سخن بگوید و به خود مشروعیت ببخشد، مگر آن که فرآیند تبدیل خود به سوژه در نظام نواستعماری را متوقف کند. به جای او این روشنفکر است که باید سخن بگوید. فرودستان یعنی؛ بی خانمان ها، بیکاران، کشاورزان فقیر، کارگران و زنان ستمدیده ای که استعمار و نظام مردسالارانه آنها را به حاشیه رانده است.

۴- هویت فرهنگی به هویت یک گروه یا فرهنگ اشاره دارد و یا بر میزان تعلق و دلبستگی فرد به فرهنگ یا گروهی که بدان تعلق دارد، دلالت می کند. این احساس تعلق، گذشته ی تاریخی و بومی فرد را در بر می گیرد اما همیشه به زمان حال تعلق دارد. نظریه پردازان پسااستعمار معتقدند هویت فرهنگی مردمی که تحت استعمار قرار دارند به موجب تعامل با فرهنگ بیگانه و استعمار، دوگانه می شود. هومی بهابها تاکید ویژه ای بر مفهوم دورگه بودن و یا هویت دوگانه، دارد. در واقع با این مفهوم، هویت، فرهنگ و ملیت را در کانون توجه قرار می دهد و به چالش می کشد. معتقد است که «دورگه بودگی فضایی میانی است. مانند فردی که میان دو فرهنگ قرار گرفته است. زندگی بسیاری از روشنفکران با ملیت های استعماری که نهادی غربی دارند، دورگه پرورش یافته است. از دیدگاه بهابها، هویت و گزاره های نظام فرهنگی همواره متناقض و دو سویه جلوه گر می شود و نام این فضا را فضای سوم بیان می نامد» (

bhabha, 2004, 56) تعامل فرهنگی بین استعمارگر و استعمار زده به آمیختگی صورت های فرهنگی می انجامد.

۵- نویسندگان و روشنفکران سرزمین های مستعمره یا تحت نفوذ استعمار، با پس زدن فرآیند آمیزش سنت ها و فرهنگ بومی با عناصر خارجی و مقابله با ریشه دواندن زبان استعمارگر در مناطق سرزمینی خود، «زبان بومی را به مثابه ابزاری برای مبارزه با ستیز امپریالیسم معرفی می کردند» (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۸۷) در واقع تحمیل زبان انگلیسی یا سایر زبان های استعماری بر سوژه های مستعمره بخشی از برنامه ی قدرت استعماری برای نظارت فراگیر تر بر مستعمره است.

۵-۱ وقتی قدرت حاکم، زبان بومی را به حاشیه می برد، به کارگیری آن از طرف نویسندگان پسااستعمار به عنوان نوعی ابزار و سلاح برای مقاومت در برابر استعمارگر در می آید. سلاحی برای احیای هویت. بدین سان زبان بومی نیز حامل قدرت است. این اصل مهم برگرفته از نظریات میشل فوکوی فرانسوی است که دوگانه ی قدرت-مقاومت را مطرح می کند. فوکو معتقد است که مقاومت قدرت را مختل می کند و « هر رابطه ی قدرتی دست کم به طور بالقوه متضمن وجود استراتژی مبارزه ای است که در آن نیروهای درگیر در هم حل و ادغام نمی شوند و سلطه ی یک گروه همراه با مقاومت و شورش هایی است که در سطح و پیکره ی جامعه آشکار می شود» (دریفوس و رابینو، ۱۳۹۲: ۳۶۵-۳۶۴).

۶- رابطه ی استعمار و غرب گرایی یک واقعیت انکار ناپذیر است. الیناسیون یا از خود بیگانگی فرهنگی باعث رواج و گرایش به غرب می شود. یکی از نظریات مهمی که استعمار به توسعه و ترویج آن پرداخت، انحصار تمدن برای غرب بود و اینگونه تبیین کرد که هرکس می خواهد متمدن باشد باید راه و رسم غربی ها را پیشه کند. برای دست یابی به این منظور، تلاش کردند تا جوامع دیگر به ویژه شرق را از دین، تاریخ و فرهنگ شان جدا کنند. در واقع «قدرت و افزون طلبی غرب باعث شد تا اقتصاد سرمایه داری آن، بازار مصرف از کشورهای مستعمره ایجاد کند و در نتیجه چهره ی عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی امپریالیسم در قالب غرب گرایی فرهنگی نمود پیدا کرد» (نقوی، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

## ۳- بحث و تحلیل

## ۳-۱- معرفی آثار مورد مطالعه

## - مترجم دردها ( Interpreter of Maladies )

جومپا لاهیری با نام اصلی نیلانجانا سودشنا ( Nilanjana sudeshna ) نویسنده هندی تباری که در آمریکا بزرگ شده است، دکترای ادبیات تطبیقی و مطالعات رنسانس را از دانشگاه بوستون اخذ نمود و با نوشتن مجموعه داستان مترجم دردها در سال ۱۹۹۹ موفق به دریافت جایزه پولیتزر در سال ۲۰۰۰ شد. این اثر شامل ۹ داستان کوتاه است که در ارتباط با هندی ها و هندی آمریکایی هایی است که میان دو فرهنگ هندی و فرهنگ دنیای مدرن گرفتار شده اند. زندگی آدم هایی که میان سنت های مستحکمی که به ارث برده اند و دنیای آشفته ی جدیدی که هر روز با آن مواجه هستند، سرگردان اند. داستان های مترجم دردها، اگر چه در آمریکا شروع می شود اما با برگشت به عقبی ( فلاش بک ) که در ذهن شخصیت ها پدید می آید، به هندوستان باز می گردند و دو دنیای کاملاً متفاوت را به هم می رسانند. داستانهای این مجموعه به ترتیب عبارتند از: «یک موضوع موقت»، «وقتی آقای پیرزاده برای شام به خانه ی ما می آمد»، «مترجم دردها»، «دربان واقعی»، «جذاب»، «در خانه ی خانم سن»، «این خانه ی متبرک»، «معالجه بی بی هالداری» و «سومین و آخرین قاره». آنچه که در این داستان ها به صورت ویژه به چشم می آید، توصیف دو دنیای کاملاً متفاوت از هم است که یکی متعلق به سرزمین بومی و مادری است با ساختارهای سنتی و کهن که در ذات شخصیت های داستان های این مجموعه درونی شده و البته دنیای متمدن غربی که یا به دلیل مهاجرت و بزرگ شدن در این فضا و یا جذاب بودن برای آن ها، گاهی غالب می شود بر اندیشه های شخصیت.

## - شوهر دلخواه ( A Sutibale boy )

ویکرام ست ( Vikram seth ) شاعر و نویسنده ی مشهور هندی، رمان شوهر دلخواه را در سال ۱۹۹۳ میلادی به چاپ رسانده است. این رمان طولانی، حکایتی از درگیری های فرهنگی و هویتی در جامعه هند در دوران پسااستعمار می باشد. فضای اصلی این رمان چهار جلدی که توسط مهدی غبرائی ترجمه شده است، به سال ۱۹۵۰ میلادی یعنی کمی پس از پایان دوره ی استعمار مستقیم بریتانیا برمی گردد. دغدغه های یک مادر به نام « مهرا روپا » برای یافتن شوهری مناسب



فرهنگ و ساختارهای ارزشی هند برای دخترش «لاتا» است. شوهر مهرا روپا، «رگوبیر مهرا» در چهل و چند سالگی در حالی که در راه آهن هند مشغول به کار بوده در گذشته و این مادر با زحمت فراوان، از خود گذشتگی و فروش طلاها و خانه‌ی خود توانسته فرزندانش را در تحصیل یاری رساند. (ست، ۱۳۸۸: ۴۴). این پوسته‌ی ظاهری داستان تنها بستری برای نقل جریان‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی هند پس از استقلال است. جنبش‌های کارگری، دعوای مجلس، اختلافات فرقه‌ای و سایر مسائل اجتماعی هند، در این رمان طولانی، بیان می‌شود.

#### - سووشون

سیمین دانشور (۱۳۹۰-۱۳۰۰)، یکی از داستان‌نویسان معاصر ایران، در عرصه‌های مختلف ادبی، کارهای ماندگار و ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته و هم در عرصه‌ی داستان کوتاه و هم در میدان رمان نویسی، قلم فرسایی‌های ارزنده‌ای داشته است. رمان «سووشون» اولین رمان این نویسنده که در سال ۱۳۴۸ یعنی در همان سال که عزیزترین کس خود یعنی جلال را از دست می‌دهد، نوشته شده است. این رمان، یک داستان پرماجرا و تصویری هنرمندانه از اتفاقات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۲۰ به بعد را روایت می‌کند. دوره‌ای که نیروهای متفقین به ویژه انگلیسی‌ها در منطقه‌ی فارس و ایران وارد می‌شوند. حکام دست‌نشانده و سرسپرده‌ی داخلی با آنها همدستی می‌کنند و قحطی، بیماری، آشوب‌های داخلی و زورگویی، میراث آن دوره می‌شود. اتفاقات رمان بر مبنای تاریخی، مربوط به حوادث دولت «سهیلی» و یکه‌تازی‌های نیروهای انگلیسی و کارگزاران داخلی آن‌ها مثل «قوام‌الملک شیرازی» است. «مستر زینگر» افسر حيله‌گر و چند چهره‌ی انگلیسی، نقش بسیار تاثیر گذاری بر حوادث این داستان و در نهایت کشته شدن قهرمان داستان، یوسف، دارد. این داستان از زاویه‌ی دید «زری»، همسر یوسف، خان روشنفکر و تحصیل کرده‌ی آن منطقه که متکی بر اصول و ارزش‌های سنتی و ملی خود است، روایت می‌شود. «فکر اصلی این رمان، ارائه‌ی انسان مبارز است. به همین جهت در سراسر داستان شاهد درگیری یوسف با بیگانگان و عوامل داخلی آن‌ها هستیم. ستیز پرتلاش خانواده‌ی او با ریزه‌کاری‌های روانی و عاطفی، بر زمینه‌ی از زندگی مردم یک منطقه در یک دوره‌ی خاص تاریخی، گسترده می‌شود» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۱۳۳). زری داستان تجاوز دشمن به خانه و وطن خود را شرح می‌دهد و در این نقل‌حوادث در کشاکش روزگار، داستان پخته شدن و آگاه شدن زری به عنوان نماینده‌ی زن ایرانی به تصویر کشیده می‌شود. هوشنگ گلشیری، داستان‌نویس و منتقد ادبی در

گفتگویی که در سال ۱۳۶۶ از طریق مجله ی مفید با مرحوم دانشور دارد، معتقد است که؛ شیوه ی بیانی در رمان سووشون، شیوه ی رمزی است. با این تفاوت که این اثر را رمز سیاسی می توان خواند. و بنابر تحلیل خود نویسنده، رمز سیاسی - فلسفی. سووشون دارای دو لایه است: در لایه ی ظاهری حوادث رفته بر زری و خانواده ی اوست که در محدوده ی سالهای ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۳ ادامه دارد و به مرگ و البته کشته شدن یوسف در ۲۹ مرداد می انجامد. در لایه ی دوم و درونی، مابه ازای خانه ی زری، همه ی ایران است و زری نیز نماینده ی زن به طور کلی. بنابراین آنچه بر این خانه و خانواده می رود بر همه ی کشور ما رفته است (گلشیری، ۱۳۸۳: ۹۵۸).

## ۲-۳- اشتراکات گفتمان پسااستعمار در آثار مورد مطالعه

### ۱-۲-۳- تاکید بر مسأله زبان و چالش های زبان دو محیط، ادبیات و فرهنگ بومی و عامه

نویسندگان و روشنفکران سرزمین های مستعمره یا تحت نفوذ استعمار، با پس زدن فرآیند آمیزش سنت ها و فرهنگ بومی با عناصر خارجی و مقابله با ریشه دواندن زبان استعمارگر در مناطق سرزمینی خود، زبان بومی را به مثابه ابزاری برای مبارزه با ستیز امپریالیسم معرفی می کردند. البته در تقابل فرهنگی و زبانی، نوعی تداخل نیز قابل مشاهده است.

جومپا لاهیری، نویسنده کتاب مترجم دردها، در یادداشتی یادآور می شود که «هرچند از هجده سالگی به تابعیت آمریکا در آمده اما به چشم مادرش همیشه یک هندی است» و در ادامه می افزاید «دیوارهای نامرئی خانه ی ما را احاطه کرده و ما را از تاثیرات زندگی آمریکایی دور نگه داشته است» (لاهییری، ۱۳۸۰: ۲۶۶). شخصیت های داستان های مجموعه ی مترجم دردها، همچون خود لاهیری تحت فشار دوگانگی فرهنگی و زبانی هستند، اگرچه در درون و ذات خود علاقه ای وافر به زبان بنگالی و یا سایر زبان های بومی خود دارند اما بر اثر زبان محیط، فصاحت زبانی را از دست می دهند. داستان های «مترجم دردها» (صص ۹۳-۶۳)، «وقتی آقای پیرزاده به خانه ی ما می آید» (صص ۶۲-۴۱) و «سومین و آخرین قاره» (صص ۲۴۰-۲۱۵)، به طور مستقیم به زبان بنگالی و چالش های این زبان در ارتباط با زبان انگلیسی اشاره دارد و علاقه ی نویسنده ی داستان به زبان بومی و البته تداخل زبان محیط جدید، نمایانگر است. دغدغه هایی که خود جومپا لاهیری دارد و واهمه دارد که مبادا بعد از مرگ والدینش دیگر ارتباطی با زبان بنگالی نداشته باشد. (همان، ۲۵۴) در دیدگاه پسااستعماری، این همه تاکید بر زبان و ارزش های زبان بومی، باعث پیوند

شخصیت های داستان با ارزش ها، سنت ها و عادت های سرزمین مادری شان، می شود. لاهییری عنوان می کند که « ترجمه تنها عملی محدود مربوط به زبان نیست؛ بلکه یک عمل فرهنگی در جریان است؛ تلاشی است پیوسته و مداوم برای حفظ آنچه در نظر والدین من به معنای " از اول و برای همیشه، هندی بودن " است؛ تلاش برای نگهداری سنت های خانوادگی و قومی خاص در دنیای خارج؛ دنیایی، عمدتاً بی تفاوت » ( همان، ۲۵۵) اشاره های مستقیمی که نویسنده در داستان های این مجموعه به آداب و رسوم و سنت های فرهنگ بومی هندی ها دارد بیانگر تاکید بر ارزش های فرهنگ عامه در محیط جدید و غربی است. داستان های « سومین و آخرین قاره»، «وقتی آقای پیرزاده به خانه ی ما می آید» و « در خانه ی خانم سن» در این مورد قابل توجه هستند.

در رمان شوهر دلخواه، ویکرام ست، بحران هویت و مشکل زبان را در جامعه ی پسااستعماری هند به وضوح نشان می دهد. جامعه ای که اعضای آن با بحران های هویتی مواجه اند. مهرا روپا دوست دارد فرزندان و نوه اش به جای زبان انگلیسی او را به زبان هندی صدا کنند. پسر و عرووش نمونه ی افرادی هستند که قوانین و فرهنگ استعمار را پذیرفته و درونی کرده اند. و حتی پا را از این فراتر نهاده، زبان و فرهنگ انگلیسی را برتر و متمدن تر می دانند. به همین خاطر است که آرون، پسر بزرگ مهرا روپا، خواهرش ساویتا را از ازدواج با کسی که انگلیسی را خوب صحبت نمی کند، منع می کند. ( ست، ۱۳۸۸: ۴۱) پرداختن به ادبیات غنی هند، استفاده از اشعار اردو و فارسی و ندای برادری سر دادن بین مسلمان و هندو از ویژگی های نویسنده است که در قالب رمان بازنمایی شده است. ویکرام ست، که از او به « تولستوی هند» یاد می کنند، در اصل شاعر است و یکی از دلایل توجه به شعر در خلال داستان، همین است. ( همان، ۹۰۱) اشاره ی ویکرام ست در این اثر به برگزاری مراسم سنتی عاشورا و شهادت امام حسین (ع) توسط مسلمانان شیعه ی هندی (همان، صص ۱۶۹۵-۱۶۹۰)، برگزاری مراسم «بهارات میلاپ» توسط هندوها (همان، صص ۱۷۰۹-۱۷۰۵) و جشنواره های هندو توسط برهمنیان (همان، صص ۱۷۴۷-۱۷۴۵) تاکید بر مقوله ی فرهنگ عامه و بومی در اندیشه ی پسااستعماری نویسنده است.

در رمان سووشون، مقوله زبان، با تاکید بر لهجه های بومی و استفاده از ادبیات و اساطیر کهن ملی قابل بررسی است. سووشون بیشترین گفتگو با زیرمتن زبان، ادب و فرهنگ عامه را دارد. اشاره های سیمین دانشور در قالب داستان به بخش هایی از اشعار و عبارات شاعرانی همچون، حافظ (ص ۲۵۴)، مولوی (ص ۱۷۷ و ص ۲۶۴) و ناصر خسرو (ص ۲۶۳) می تواند دلیلی بر این مدعا باشد.

همچنین استفاده از ضرب المثل ها و اصطلاحات محاوره ای در متن داستان با بسامد زیاد نشان از تاکید نویسنده بر مقوله ی فرهنگ، زبان و ادبیات عامیانه دارد. ضرب المثل هایی همچون: (مرغ سرکنده شدن (ص ۱۸)، کشک چی پشم چی (ص ۲۳)، آش خودشان را می خورند و حلیم دیگران را بهم می زنند (ص ۲۶ و ص ۳۹)، من از بیگانگان هرگز ننالم که هرچه کرد با من آشنا کرد (ص ۲۶)، کاری است گذشته و سبویی است شکسته (ص ۳۶)، گز نکرده پاره کرده بودند (ص ۴۸)، همه تان سر و ته یک کرباسید (ص ۵۲)، رو به هفت کوه سیاه (ص ۵۶)، تو که لالایی بلدی چرا خودت خوابت نمی برد (ص ۶۴)، دست آدم را می گذارند توی پوست گردو و خودشان می برند و می دوزند (ص ۶۴)، آنقدر شرنده هستند که صدمن ارزن بریزی یکیش به زمین نمی رسد (ص ۶۴)، عمائم آخوندها هم دیگر پشمی نداشت (ص ۷۵)، جای سوزن انداز نبود (صفحات مختلف)، زیر درخت چه کنم نشستن = تردید (ص ۸۴)، اگر پشت گوشمان را دیدیم روی سحر را هم می بینیم (ص ۸۷)، خر بیار و معرکه بار کن (ص ۱۰۰). از دیگر مصادیق زبان، ادبیات و فرهنگ عامه، ترانه های عامیانه است که در سووشون انعکاس یافته و احتمالاً از ترانه های مردم شیراز است، از جمله:

گلم، گلم، یار گلابتون (ص ۱۱)، عزیزم برگ بیدی، برگ بیدی (ص ۱۱)

«چلپ چلپ کیانه // پیتی، پاتی، پیتاهه // بخواب ماما، بخواب ماما.» (ص ۵۷) و یا

سرکتل پایین اردو دیاره // سهراب خان دوربین بندازه // دوربین بندازه بین چند هزاره؟

مستم مستم مستم      مچ پای دولت دستم      مستم مستم مستم

برنو کوتاه تو دستم (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۳)

### ۲-۲-۳- بحران هویت، دوگانگی فرهنگی یا دورگه بودگی (hybridity)

در ارتباط میان دو فرهنگ استعماری و مستعمره، فضای سوم ایجاد می شود که نوعی اختلاط فرهنگی قابل مشاهده است. شخصیت های داستان های مترجم دردها به دلیل مهاجرت و زندگی در فضای غربی دچار چنین وضعیتی هستند. رفتارهای آنها، حکایت از دوگانگی فرهنگی دارد. لاهیری، در مصاحبه با روزنامه ی نیوزویک ضمن اعلام علاقه به هند، آنجا را وطن کامل خود نمی داند و می گوید «چون آنجا هم بزرگ نشده و عضوی از مردم آنجا نبوده ام. می خواستیم خود را به دنیایی پیوند بزیم که به طور کامل با ما و متعلق به ما نبود» (لاهییری، ۲۵۸: ۱۳۸۰) در داستان مترجم دردها، آقا و خانم داس نمونه ی بارز این دوگانگی فرهنگی هستند. هر دوی آنها در آمریکا به دنیا

آمده بودند. اگر چه سالی یک بار به هند می آمدند ولی به طور کامل با سنت ها و فرهنگ بومی آنجا آشنا نبودند. لاهیری در این داستان با ایجاد گفتگو میان آقا و خانم داس و آقای کاپاسی که در نقش راننده توریست ها و مترجم است، سعی در بازنمایی دوگانگی فرهنگی ایجاد شده در رفتار شخصیت های داستان دارد. « خانم داس داشت از مردان فروشنده ای که پیراهن به تن نداشتند، خرید می کرد. وقتی به طرف ماشین برمی گشت، یکی از آنان شروع کردن به خواندن یک ترانه ی عاشقانه ی هندی؛ اما گویا خانم داس چیزی متوجه نمی شد. چون هیچ عکس العملی نشان نمی داد. » (لاهییری، ۱۳۸۰: ۶۶) آنها «ظاهرا یک خانواده ی هندی بودند ولی رفتار و سر و وضعشان شبیه خارجی ها بود...» (همان، ۶۴)

در رمان شوهر دلخواه، بانو روپا مهرا اگر چه علاقه به سنت ها و ارزش های هندی دارد اما سخت تحت تاثیر فضای جامعه ی مستعمره، دوست دارد بچه هایش را در مدرسه ی انگلیسی بگذارد. «در زیر احساسات دیگری نافذش و دل بستگی او به اشیایی که او را به یاد شوهر محبوبش می انداخت، ایثار و ارزش هایی نهفته بود که با عزمی جزم آنها را در قالب آموزش و پرورش در مدرسه ی شبانه روزی متوسطه ی انگلیسی می ریخت. » (ست، ۴۴) جامعه ی هندی که در این رمان به تصویر کشیده شده گویای این حقیقت است که اگرچه به ظاهر زمانه ی استعمارگری به پایان رسیده و استقلال هند اتفاق افتاده است، اما جامعه بسیار متفاوت شده و از نظر ساختار فرهنگی، ریشه های استعمار و وابستگی در نهاد و بطن جامعه درونی شده و از سویی علاقه به فرهنگ اصیل نیز مورد تاکید است. بعضی وقت ها تغییرات آن قدر زیاد است که بازگشت به گذشته غیرممکن است. جامعه ناچار است با موضوعات جدیدی که در فرهنگ پیش آمده خود را وفق دهد. این منجر به ایجاد « فضای سوم » می شود که هومی بهابها بر آن تاکید داشت. « مادر مالاتی به این علت قابل تقدیر بود که دوست داشت دخترهایش مستقل باشند. او می خواست که آنها غیر از آموزش در مدرسه ی متوسطه ی هندی، موسیقی، رقص و زبان انگلیسی را خوب یاد بگیرند و نمی بایست به حرف مردم توجه کنند» (همان، ۷۲) لاتا نیز شخصیتی دوگانه دارد. تاثیر فرهنگ غربی باعث شده که نسبت به برخی سنت ها به دیده ی تردید بنگرد. «صحنه ای هم که پیش چشمش بود بی معنی بود. هفت آدم زنده که هیچ کدام احمق نبودند، دور آتش نشسته بودند و به زبان مرده ای که فقط سه تاشان می فهمیدند وردهایی را دم گرفته بودند.» (همان، ۴۹)

در رمان سووشون، انگلیسی ها، بیمارستان، درمانگاه و مدرسه ایجاد کرده اند. حتی زری نیز در یکی از همین بیمارستان ها بچه اش را به دنیا آورده و در یکی از مدرسه های نیروهای انگلیسی درس خوانده، انگلیسی و تعلیمات دینی و آداب معاشرت یاد گرفته است. «در مدرسه ی انگلیسی ها در هفته دو ساعت تمام درس آداب معاشرت داشتند و هر روز هفته، یک ساعت درس اخلاق می خواندند؛ البته به جای اخلاق انجیل می خواندند...» (ص ۱۶۰) در معرض فرهنگ غربی و بیگانه بودن، باعث تاثیراتی در زری شده که گاهی او را به همراهی او می دارد. آموزه های انجیل باعث می شود که زری با دیدن شمایی روی پرده به اشتباه آن را یحیی تعمید دهنده بداند. (ص ۴۴) یا در بخش دیگری از رمان، «کلو» پسر چوپان یوسف، به خاطر بیماری تیفوس در بیمارستان انگلیسی ها بستری می شود. کشیشی که کتاب مقدس در دست دارد نزد کلو می رود و داستان هایی از تورات را برای او می خواند. (ص ۱۸۸) این عمل به قصد تاثیرگذاری فرهنگی و دینی بر روی رعیت ساده انجام می شود. در واقع سیاست گذاری فرهنگی و دینی استعمار که ترفندی مهم برای تسلط به حساب می آید. حاصل این اتفاق ها، شکل گیری هویت دوگانه در جامعه ی پسااستعماری است.

### ۳-۲-۳ مقاومت، تقابل و مبارزه با استعمار یک اصل مهم در گفتمان پسااستعماری

این مقاومت یا از طریق ایجاد گفتمان هایی در مقابل جریان استعمار یا خلق شخصیت های مبارز و قهرمان که در برابر قدرت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی استعمارگر مبارزه می کنند و یا با تاکید بر فرهنگ، سنت و اصالت های فرهنگ بومی مطرح می شود.

در داستان «سومین و آخرین قاره» از مجموعه ی مترجم دردها، شخصیت اصلی داستان، از دلبستگی های همسرش به پوشیدن لباس های سنتی، حنا زدن پاها و یا چرم کردن موی سر با روغن های محلی در یک سرزمین غربی به گونه ای یاد می کند که برای خواننده تداعی علاقه و احترام ویژه ای است که، سنت و ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و بومی دارد. (لاهی، ۲۳۵) این برخورد به مقاومت فرهنگی تعبیر می شود. وقتی همسر شخصیت اصلی پس از مدتی دوری، به آمریکا پا می گذارد با پوشیدن ساری بلند هندی، شکوه فرهنگ بومی را برای خواننده مطرح می کند. خوشحالی زایدالوصف شخصیت داستان از این که پس از مدتی به زبان بنگالی صحبت و در خانه ی خود ویژگیهایی از فرهنگ بومی خود را مشاهده می کند. (همان، ۲۳۸) داستان سومین و آخرین قاره به طور کلی حکایت شخصی است که در سه قاره ی آسیا، اروپا و سپس آمریکا زندگی

می کند ولی ساختارهای اصلی فرهنگ بومی و سنتی هند در رفتارهای او به گونه ای در حال مقاومت، بازنمایی می شود. داستان «در خانه ی خانم سن» از مجموعه ی مترجم دردها حکایت دلتنگی های یک زن هندی برای سرزمین مادری است. خانم سن به قدری در محیط جدید احساس غربت می کند که با دیدن هر صحنه ای یاد عادت ها و سنت های هندوستان می افتد. (۱۵۲) شوهرش می خواهد به او رانندگی یاد بدهد، چون می داند که یاد گرفتن رانندگی یعنی ماندگاری در این محیط و در نتیجه خو گرفتن با غربت. اما او به هیچ وجه با این مساله ارتباط برقرار نمی کند و به طور عمد در یادگیری سهل انگاری می کند. در واقع تمرین رانندگی نمادی در این داستان است از چالش میان دو محیط فرهنگی و خو گرفتن با فرهنگ جدید و البته مقاومت در برابر تغییر. در رمان شوهر دلخواه، ویکرام ست مقاومت فرهنگی را در تقابل دو برادر، آرون و وارون نمایان می کند. آرون، پسر بزرگ مهرا روپا، خواهرش ساویتا را از ازدواج با کسی که انگلیسی را خوب صحبت نمی کند، منع می کند. در مقابل، برادر کوچک تر، وارون، برعکس آرون به فرهنگ و سنت های اصیل خود پایبند است. هنگامی که برادرش از او می خواهد همانند اروپایی ها لباس بپوشد، ناراحت می شود و می گوید: «آیا باید در خانه هم، از این سفید پوستان بیگانه تقلید کرد؟» (ست، ۲۰۰) این تقابل، نمادی از شرایط فرهنگی است که در جامعه ای پسااستعماری شاهد آن هستیم. یک برادر چنان شیفته ی زبان انگلیسی و آداب غربی و برادر دیگر برعکس. ویکرام ست سعی می کند بازنمایی حضور استعمار و ایجاد مقاومت درونی و گفتمانی در برابر آن را در تقابل میان این دو برادر نشان دهد. به واقع آرون برادر بزرگ تر نماینده ی تفکر استعماری و غربی و وارون برادر کوچک تر نماینده ی قطب مخالف. لاتا، خواهر کوچک تر آنها آرزو دارد که پس از عروسی خواهرشان، ساویتا، وارون را حداقل به یک مقاومت درونی در برابر آرون تشویق کند. این مقاومت، نمادی از مقاومت ساختارهای سنتی فرهنگ هند در مقابل آداب غربی و وارداتی است که آرون و همسرش، میناکشی، نماینده ی آن هستند. (همان، ۴۳-۴۲)

مقاومت و ایستادگی چه از نوع فرهنگی و چه عملی، در رمان سووشون به زیبایی جلوه گر است. این مساله، هسته ی اصلی رمان را تشکیل داده است. همان گونه که در معرفی اثر عنوان شد، حوادث رمان مربوط به سال های جنگ دوم جهانی و نفوذ نیروهای متفقین به خصوص انگلیسی ها در جنوب ایران است که سبب رویارویی آنها با یوسف، خان روشنفکر شیرازی، می شود. قشون و سپاه بیگانه و حاکمان وابسته، آذوقه ی بیشتری نیاز دارند ولی یوسف در برابر این زیاده خواهی،

آن هم در روزگار قحطی و کمبود غلات، مردانه ایستاده است. «در شهر همین اخیرا چو افتاده که حاکم برای زهر چشم گرفتن از صنف نانوا می خواسته است یک شاطر را در تنور نانویی بیندازد و چون هر کس نان آن نانویی را خورده، از دل درد مثل مار سرکوفته به پیچ و تاب افتاده، مثل وبازده ها عق زده، ... اما باز به قول یوسف تقصیر نانوایان چه بود؟ آذوقه ی شهر را از گندم تا پیاز قشون اجنبی خریده بود و حالا...» (دانشور، ۶) یوسف تمام و کمال نماینده و نماد ایستادگی در برابر بیگانه است و دست های مرموزی که نمی خواهند این سرزمین سر و سامان بگیرد را می شناسد و معرفی می کند. «آذوقه می خواهید که بدهید به قشون خارجی و عوضش اسلحه بگیرید و بیفتید به جان برادرها و هموطن های خودتان؟ شما مگر عقل توی کله ی تان نیست؟ آن دست های مرموز که نمی خواهند شما سرو سامان بگیرید برای چنین روز های مبادایی است... پس کو آن دلاوری ها و مردانگی ها و نجابت ها؟» (همان، ۵۱) استفاده از ظرفیت فرهنگ بومی، لغات و اصطلاحات مربوط به لهجه ی شیرازی تلاش مقاومت گونه ی دانشور برای پاسداری و حفاظت از فرهنگ اصیل و بومی است. با این ابزار سعی دارد تا قدمت فرهنگ این سرزمین را یادآور شود. برگزاری مراسم سیاوشون در پایان رمان نیز پرده ای از این مقاومت فرهنگی است که دانشور نمایش می دهد.

### ۳-۲-۳- نشان دادن چهره ی کریه استعمارگر، استبداد داخلی و آشوب

در هر سه اثر مورد مطالعه چهره ی استعمار و قدرت های غربی، مخرب، باعث اختلاف، غارت گر و زشت نشان داده شده است. فرهنگ غربی همیشه سعی در سلطه دارد و این از طریق ثروت اقتصادی و قدرت نظامی ایجاد می شود. تسلط زبان انگلیسی بر شخصیت ها نیز نمایانگر روحیه ی تسلط طلبی غرب و استعمار است. غارت آذوقه ی مردم در اوج قحطی و زیاده خواهی های استعمارگران، مقدمات تجزیه و اختلاف در شبه قاره، بخشی از اقدامات زشت و کریه استعمارگران است. همچنین یکی از نتایج شوم حضور استعمارگران، استبداد و آشوب داخلی است.

داستان «آقای پیرزاده» حکایت مردی از اهالی داکا در بنگلادش است که در پی اعطای بورس از طرف دولت پاکستان به نیوانگلند آمریکا آمده و بیشتر وقت خود را با یک خانواده ی هندی می گذراند. داستان از زاویه ی دید دختر این خانواده ی هندی، لیلیا، روایت می شود. دل شوره ها و درگیری های ذهنی آقای پیرزاده در مورد حوادث و آشوب های داخلی شبه قاره که پس از خروج



ظاهری استعمارگر اتفاق می افتد، محور اصلی این داستان است. « پدر در ادامه برایم توضیح داد که در آن سال ها، هندوها و مسلمان ها به جان هم افتاده بودند و خانه های هم را به آتش می کشیدند...» ( لاهیری، ۴۴) در این داستان به چهره ی کریمه استعمار که باعث تجزیه ی کشور، جنگ داخلی و آشوب های درونی شده بود به طور مستقیم اشاره می شود. « مادرم با غرور گفت: ما الان اینجا زندگی می کنیم و او هم اینجا به دنیا آمده. می دانستم که از نظر پدر و مادرم من از شرایط زندگی و تحصیلی خوبی برخوردار هستم. هیچ وقت مجبور نبودم مثل پدر و مادرم غذای جیره بندی بخورم، به خاطر حکومت نظامی در خانه بمانم، یا همسایه های فراری را در منبع آب مخفی کنم...» (همان، ۴۵)

یکی از برنامه های شوم استعمار در سرزمین های مستعمره، تلاش در جهت تجزیه ی کشور و ایجاد آشوب و استبداد داخلی است. ویکرام ست در رمان شوهر دلخواه به این مساله و عواقب آن اشاره می کند. « پس از تجزیه ی هند توسط انگلیسی ها همه چیز دگرگون شد. خانه دیگر مثل سابق پرجمعیت نبود. از بسیاری جهات متروک مانده بود. عموها و عموزاده ها در کراچی و لاهور پراکنده بودند...» (ست، ۱۳۸۸: ۴۴۵) حاصل این مکر استعماری، نزاع های خونین میان مسلمانان و هندوها بود که بسیاری از مردم را آواره کرد و مشکلات داخلی از جمله: فقر، کمبود تولید و ستم بسیار زیاد اربابان بر رعیت را باعث شد. (همان، ۴۴۳) استعمارگری که با چهره ی مکار خود به هیچ کس اعتماد نمی کرد و سعی داشت ضمن ایجاد تفرقه در میان اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون، نیروهای خودی را در اداره ی مستعمره به کار گمارد. «انگلیسی ها در اداره ی ایالت به هیچ کس اعتماد نمی کردند، جز خدمتگزارانی که هم‌نژاد خود، برگزیده، تعلیم دیده، که از انگلستان آمده بودند» (همان، ۴۷۵)

حضور استعمارگران در رمان سووشون از نکات کلیدی و مهم ماجرا است. اگر به میهمانی حاکم در ابتدای رمان و روایت دانشور از این شرکت کنندگان در مراسم، توجه کنیم، متوجه خواهیم شد که دغدغه ی حضور بیگانگان در سرزمین، برای دانشور بسیار با اهمیت است. اغلب میهمانان مراسم عقدکنان دختر حاکم، خارجی ها هستند. حضور مداخله جویانه ی خارجی ها، مساله ی یکجا نشین کردن عشایر و درگیری های حکومت مرکزی و قحطی نان، بخشی از توطئه ی استعمارگران است که در روایت دانشور بر آن تاکید می شود.

دانشور برای نشان دادن چهره ی استعمارگر، سرجنت زینگر، جاسوس و افسر انگلیسی را معرفی می کند که نماینده ی واقعی قدرت طلبی استعمارگران است. در نزاع لفظی زینگر با یوسف در رمان، برتر بینی استعمارگر و تقابل دوگانه ی شرق و غرب، خودی و دیگری، یکی از اندیشه هایی که ادوارد سعید به آن پرداخته است، نمایان می شود. «زینگر بازوی ابوالقاسم خان را گرفت: به برادران اندرز کنید. گُدا (خدا) به شما نعمت می دهد. بدهیدش به ما. این نعمت مال همه، مال بشر. این همه برای شما زیاد. لازم نبود. یوسف خندید و گفت: عین بی . پی . مثل اینکه زینگر جاحورد. جامش را گذاشت روی نقشه و گفت: شما بلد نبود. شما لازم نیست. ما درآورد، رساند به آن ها که لازم شد» (دانشور، ۱۳۸۰: ۳۵) در این گفتگو، منظور یوسف از بی پی، شرکت نفتی بریتانیا « بریتیش پترولیوم » است که مطابق قرارداد ننگین سال ۱۹۳۳ نفت ایران را استخراج می کرد. در این عبارت ها، اندیشه ی باطل استعمارگران که؛ مردم استعمارزده نمی توانند چنین منابعی را کشف، استخراج و بهره برداری کنند مطرح می شود. قضاوت و داوری زینگر، تحقیر و تضعیف ایران است. استبداد داخلی، ظلم و ستم اربابان و حاکمان خود فروخته به استعمار (ص ۲۲) و شورش نیروهای بومی و عشایری (ص ۱۸۶) بخشی از برنامه های شوم استعمارگران است.

مرگ یوسف در ۲۹ مرداد اتفاق می افتد در حالی که دانشور در جایی عنوان کرده که مقصودش ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی محمد مصدق بوده است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۷۱) اگر این نقل را در نظر داشته باشیم، حکایت کودتای ۲۸ مرداد، سند محکمی بر حضور خائنانه و مرموزانه ی استعمارگران در ایران است که به گواه تاریخ، آرمان های جامعه ی ایرانی را قربانی می کند. حضور مستقیم و با برنامه ریزی استعمار در این جریان و همدستی خائنان داخلی، چهره ی کریه دشمنان خارجی و استعمارگر را برای خواننده ی داستان روایت می کند.

#### ۴-۲-۳- از خود بیگانگی فرهنگی

در ارتباط میان استعمارگر و مستعمره، برخی به راحتی مقهور قدرت اقتصادی، سیاسی و گاهی فرهنگی استعمارگر شده و از خود بیگانگی یا الیناسیون نمود پیدا می کند. در آثار مورد مطالعه نمونه هایی از این مساله قابل شناسایی است.

پسر و عروس خانم روپامهرا در رمان شوهر دلخواه نمونه‌ی کسانی هستند که فرهنگ و قوانین استعمار را درونی کرده‌اند. پسرش، آرون، به سبک اروپایی لباس می‌پوشد و همیشه سعی می‌کند در نظر خارجی‌ها، یک فرد متشخص در نظر

گرفته شود نه یک هندی سطح پائین. آرون مهرا زبان، فرهنگ و تمدن انگلیسی را برتر می‌داند و گاهی به تحقیر برادر کوچکتر و خواهرانش می‌پردازد. چون آنگونه که او به زبان، فرهنگ و سبک زندگی انگلیسی اهمیت می‌دهد، آنها عمل نمی‌کنند. آرون حتی قوانین و کتاب‌های انگلیسی را بیشتر از قوانین و کتاب‌های هند می‌شناسد. (ست، ۱۳۸۸: ۴۲) میناکشی همسر آرون، دختر قاضی چاترجی، نیز مثل همسرش، شیفتگی عجیبی به فرهنگ و سبک زندگی اروپایی دارد و بسیاری از ارزش‌های سنتی خانواده‌ی مهرا را نادیده می‌گیرد. ولنگاری اخلاقی (ص ۱۸۲۹)، حضور در پارتنی‌های شبانه (ص ۴۳) و ارتباط نامشروع با دیگران (ص ۱۸۲۸) نمونه‌ای از رفتارهای میناکشی بر خلاف فرهنگ و سنت اصیل هندی است.

رمان سووشون، مساله‌ی از خود بیگانگی را به دو گونه بازنمایی می‌کند. در میهمانی ابتدای رمان، «زن‌های شهر با لباس‌های رنگارنگ در بغل افسرهای غریبه می‌رقصیدند و مردهایشان روی مبل‌ها نشسته بودند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۲) نشان می‌دهد که چگونه تاثیر فرهنگ بیگانه باعث شده که برخی منفعلانه رفتارهایی را انجام دهند که با ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی اصیل سرزمین‌شان هیچ ارتباطی ندارد. این مساله گویای از خود بیگانگی و انفعال است. در جای دیگر، از خود بیگانگی به طریقی دیگر نمود پیدا می‌کند. ابوالقاسم خان یا همان خان کاکای معروف، برادر یوسف، سرسپرده‌ی انگلیسی‌ها است تا جایی که قصد دارد از یوسف قول بگیرد که جواب رد به درخواست انگلیسی‌ها ندهد. (همان، ۲۴) این عمل خان کاکا نیز نمود نوعی از خودبیگانگی و انفعال در مبارزه و مقاومت است.

### ۵-۲-۳- به تصویر کشیدن زندگی فرودستان و حاشیه به ویژه زنان کشور های مستعمره

به باور برخی از نظریه پردازان پسااستعماری، سلطه‌ی نظام‌های استعمارگر، حاصل تفکر مردسالاری است و گروه‌های اجتماعی فرودست سوژه‌ی طبقات حاکم هستند. بنابراین در متون پسااستعماری، کوششی روشنفکرانه در جهت معرفی طبقات تحت ظلم به ویژه بی‌خانمان‌ها،

بیکاران، فقیران و زنان ستمدیده که در نظام مردسالارانه ی استعمارگر به حاشیه رانده شده اند، شکل می گیرد.

در اغلب داستان های مجموعه ی مترجم دردها، شخصیت های زن حضور پررنگ دارند. داستان «دربان واقعی» در مجموعه ی مترجم دردها، حکایت زنی بی پناه به نام «بوریمما» است که استعمار و به تبع آن آشوب های داخلی، جنگ و تجزیه ی درونی کشور باعث شده که برای زنده ماندن به کشورهای همسایه پناهنده شود و در یک مجموعه ی ساختمانی، برای گذران زندگی خود به درباری مشغول شود. زندگی فلاکت بار این زن که از سرنوشت همسر و فرزندان خود هیچ خبری ندارد، به سختی می گذرد. (لاهی، ۱۳۸۰: ۹۵-۱۰۹) زنانی همچون بوریمما، قربانی جنگ و نابسامانی قدرت های استعماری و مستبدان داخلی هستند. بوریمما روایت گر زنان بی پناهی است که «قربانی تغییر و تحول زمانه شده اند.» (همان، ۹۸)

رمان شوهر دلخواه نیز حضور زنان جامعه ی مستعمره را روایت می کند. زنانی که در فضای پس از استقلال هند، رفتارهای متفاوتی دارند. برخی از زنان همچون: روپا مهرا و دخترش ساویتا، طرفدار اصالت ها و سنت های هندی اند و زنانی مثل میناکشی و سعیده بیگ آوازه خوان که علاقه ای به سنت ها و فرهنگ اصیل هندی ندارند. و البته لاتا، دختر کوچک بانو روپا مهرا که رفتارهای دوگانه در مورد سنت ها و شرایط جدید پسااستعماری دارد.

رمان سووشون، روایت فقر، تیفوس، قحطی، بیماری جامعه و ظلم به جامعه ی زنان است. زری در ابتدای رمان زنی است سخت سنتی و گرفتار انفعال ها و ناتوانی هایی که زنان در جامعه ی آن زمان ایران دارند. این انفعال در تقدیم گوشواره ها (ص ۸) و اسب (ص ۸۳) به فرستاده ی حاکم (نماینده ی تفکر استبدادی) نمایان است. اما با گذشت زمان، شخصیت زری تحول پیدا می کند و اگر چه به دلیل حفظ آرامش زندگی، کار خاصی انجام نمی دهد اما در پایان رمان با برپایی عزاداری برای شوهر شهیدش، علم ایستادگی و مبارزه را زینب وار بر دوش می کشد. دانشور با خلق شخصیت زری به عنوان نماینده ی زن در جامعه ی ایرانی به خوبی تنگناهای موجود در ارتباط با مساله ی زن را در جامعه روایت می کند. بخشی از این تنگناها مربوط به جامعه است که زری در قالب این جملات نشان می دهد. «زری گفت: من که گفتم، صد بار بگویم؟... اگر بخواهی که من ایستادگی کنم باید جلوتر بایستم. پس بشنو. تو شجاعت مرا از من گرفته ای. آنقدر با تو مدارا کرده ام که مدارا عادت شده» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

## ۴- نتیجه

از منظر گفتمان پسااستعمار، اندیشمندان و نویسندگان کشورهای مستعمره برای مقابله و واکنش نشان دادن به گفتمان های موجود که اغلب متعلق به کشورهای استعمارگر است، شروع به ایجاد گفتمان های مبتنی بر فرهنگ و هویت ملی و دینی خود می کنند. این داستان نویسان از طریق خَلق و بازنمایی حرکت و عمل در ورای جمله و عبارات گفتمانی را در مقابل استعمارگری در قالب داستان و رمان ایجاد کرده اند. این صدا و گفتمان، در داستان های مترجم دردها، شوهر دلخواه و سووشون بر محورهای مشترکی استوار است. مهمترین اشتراکات از منظر گفتمان پسااستعماری به قرار زیر است:

- تاکید بر مساله ی زبان، چه زبان استعمارگر و چه زبان بومی و ویژگی هایی از فرهنگ، شعر، ادبیات بومی و اساطیر ملی در داستان های مورد مطالعه مشهود است. این تاکید در داستان های مترجم دردها با نشان دادن آثار کهن و معابد هندی و تاکید بر زبان های بومی بنگالی و گجراتی قابل تامل است. در رمان شوهر دلخواه نیز ویکرام ست بارها به چالش زبان بومی و خواندن ادعیه در مراسم سنتی به زبان سانسکریت پرداخته است. در رمان سووشون، تاکید بر لهجه های بومی و استفاده از اساطیر کهن ملی قابل بررسی است.
- در ارتباط میان دو فرهنگ استعماری و مستعمره، فضای سوم ایجاد می شود که نوعی اختلاط فرهنگی (hybridity) قابل مشاهده است. شخصیت های داستان های مترجم دردها به دلیل زندگی در فضای غربی دچار چنین وضعیتی هستند. رفتارهای آنها، حکایت از دوگانگی فرهنگی دارد. در رمان شوهر دلخواه نیز، وارون و همسرش میناکشی نمود چنین حالتی هستند. زری در رمان سووشون اگر چه در بسیاری موارد تقابل با فرهنگ استعماری دارد اما در بخشی از رفتارهای خود تاثیر فرهنگ غرب را می توان مشاهده کرد. در ابتدای رمان و رقص زن ها با سربازان انگلیسی نیز نماد دوگانگی فرهنگی است.
- یک اصل پسااستعماری تاکید بر ارزشها و اصالت هاست به این منظور که مقاومت فرهنگ و ساختارهای تفکر سنتی را در مقابل فرهنگ مهاجم و استعمار پر رنگ تر جلوه داد. در داستان های مجموعه ی مترجم درد ها، اشاره به سنت های اصیل هندی، مثل حنازدن، چای را با بیسکویت خوردن، ساری پوشیدن، ترشی انبه دوست داشتن و ... بیانگر این روحیه ی مقاومت فرهنگی است. در رمان شوهر دلخواه نیز توصیف کامل سنت ها و مراسم ازدواج سنتی،

خواندن اوراد و ادعیه ی مقدس در همین راستا قابل بحث است. رمان سووشون نیز سرتاسر اشاره به سنت های اصیل ایرانی و اعتقادات مذهبی دارد. یوسف و برادرش خان کاکا، همانند آرون و وارون در رمان شوهر دلخواه، بازگو کننده ی تقابل دو اندیشه ی تسلیم و مقاومت در برابر استعمار و فرهنگ غرب هستند.

- در هر سه اثر مورد مطالعه چهره ی استعمار و قدرت های غربی، مخرب، باعث اختلاف، غارت گر و زشت نشان داده شده است. فرهنگ غربی همیشه سعی در برتری دارد و این از طریق ثروت اقتصادی و قدرت نظامی ایجاد می شود. تسلط زبان انگلیسی بر شخصیت ها نیز نمایانگر روحیه ی تسلط طلبی غرب و استعمار است. غارت آذوقه ی مردم در اوج قحطی و زیاده خواهی های استعمارگران، مقدمات تجزیه و اختلاف در شبه قاره ایجاد کردن بخشی از اقدامات زشت و کریه استعمارگران است. یکی از نتایج استعمار، شکل گیری استبداد داخلی و آشوب های درون یک کشور است. در داستان آقای پیرزاده از مجموعه ی مترجم دردها به آشوب های داخلی شبه قاره و تجزیه ی هندوستان اشاره شده. همچنین حاکمان داخلی و اربابان و ملاکان زورگو که نمایندگان گروه های استعمارگر هستند در رمان شوهر دلخواه و سووشون نمونه ای از این ویژگی است.

- از خود بیگانگی فرهنگی. فرهنگ استعمار و شرایط بوجود آمده باعث می شود که برخی از افراد نسبت به فرهنگ بومی و ارزش های سنتی، بی توجه شوند و تمدن و فرهنگ استعماری را برتر تصور کرده، چشم و گوش بسته به تقلید از فرهنگ وارداتی روی آورند. در فضای دوگانه ی فرهنگی این امر، اتفاقی پیش بینی شده خواهد بود. داستان های هندی و رمان سووشون منعکس کننده ی چنین شرایطی هستند.

- به تصویر کشیدن زندگی فرودستان و حاشیه به ویژه زنان. نویسندگان پسااستعماری، به منظور مقابله با استعمار، و معرفی جلوه های کریه آن، توصیف زندگی فرودستان و افراد در حاشیه مانده را مورد توجه قرار می دهند. زن در جامعه ی مستعمره تحت تاثیر تفکر مردسالاری به حاشیه رانده شده است. اگر چه استعمار با نقاب خدمت و رفاه در جوامع مستعمره پا می گذارد، اما نتایج اقدامات آنها، چیزی جز قحطی، فقر بخش اعظمی از مردم جامعه، عقب ماندگی فرهنگی و تزییع حقوق مردم نیست. نکته ای که در داستان های هندی و رمان سووشون قابل مشاهده است.

## ۵- منابع

۱. تاینسن، لیس، *نظریه نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز ۱۳۸۷
۲. تودر، هنری، *اسطوره سیاسی (مفاهیم اساسی در علوم سیاسی)*، مقدمه و ترجمه و توضیح سید محمد دامادی، تهران: امیرکبیر ۱۳۸۳
۳. خالقی، احمد، *قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی-سیاسی معاصر*، تهران: انتشارات گام نو ۱۳۸۲
۴. دانشور، سیمین، *سووشون*، تهران: انتشارات خوارزمی ۱۳۸۰
۵. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل، *میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی ۱۳۹۲
۶. دهباشی، علی، *بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه سیمین دانشور)*، تهران: انتشارات سخن ۱۳۸۳
۷. ست، ویکرام، *شوهر دلخواه*، ترجمه مهدی غربائی، تهران: نشر چکاوک ۱۳۸۸
۸. سعید، ادوارد، *شرق شناسی*، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر ۱۳۸۳
۹. شاهمیری، آزاده، *نظریه و نقد پسااستعماری*، تهران: نشر علم ۱۳۸۹
۱۰. کولایی، الهه و پازوکی زاده، زهرا، *ادبیات پسااستعماری در هندوستان و نقش آن در شکل گیری هویت نوین هندی*، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال سوم شماره ۱ هشتم، صص ۸۲-۶۵، ۱۳۹۰
۱۱. گلشیری، هوشنگ، *گفتگو در مورد دانشور*، بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه سیمین دانشور)، تهران: انتشارات سخن، صص ۹۵۰-۹۸۸، ۱۳۸۳
۱۲. لاهیری، جومپا، *مترجم دردها*، ترجمه امیرمهدی حقیقت، تهران: نشر ماهی ۱۳۸۰
۱۳. ماتیوز، اریک، *فلسفه فرانسه در قرن بیستم*، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: انتشارات گام نو ۱۳۸۷
۱۴. میرعابدینی، حسن، *گفتگو در خصوص وضعیت داستان معاصر*، بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن نامه سیمین دانشور)، تهران: انتشارات سخن، صص ۱۲۰-۱۳۵، ۱۳۸۳
۱۵. نقوی، علی محمد، *جامعه شناسی غرب گرایی*، تهران: امیرکبیر ۱۳۷۷

۱۶. هال، استوارت، **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**، ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه ۱۳۸۶
۱۷. ویلم برتنز، یوهانس، **نظریه ادبی**، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: انتشارات آهنگ دیگر ۱۳۸۲
18. Ashcroft, Bill, Gareth Griffith, and Helen Tiffin (2007) **Post-colonial studies , the key concepts** . London: Routledge, 2 nd edition
19. Bhabha, Homi k (2004) **The Location of Culture**, London: Routledge Classics